



فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

دوره ۲۰، شماره ۶۷، تابستان ۱۴۰۳

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۵۳-۷۸

نقش بازیگران منطقه ای بر تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران و مصر (۱۳۵۷-۱۴۰۰)

حبیب ساسانی^۱

علیرضا رضایی^۲

قاسم ترابی^۳

چکیده

هر چند برقراری روابط سیاسی بین دو کشور ایران و مصر، در راستای سیاست همگرایی اسلامی و منطقه ای جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و مصر نیز به عنوان کشوری اسلامی و منطقه ای، بی شک از اولویت های سیاست خارجی ایران مبتنی بر قانون اساسی و سیاست های کلی نظام است؛ اما وجود بازیگرانی در سطوح مختلف، مانع مهمی در عادی شدن مناسبات فی مابین شده است. از تیرگی روابط دو کشور مهم و تاثیرگذار منطقه خاورمیانه و جهان اسلام، نزدیک به چهار دهه می گذرد و علیرغم وجود تمایلات مقطعی برای کاهش تنش ها و برقراری روابط؛ تاکنون نتیجه ملموسی به دست نیامده است. یکی از عوامل تیرگی رابطه میان دو کشور، وجود بازیگران منطقه ای است که تمایلی به از سرگیری رابطه میان این دو ندارند. از اینرو، مقاله پیش رو در صدد پاسخگویی به این پرسش است که در سطح منطقه ای چه عواملی بر تیرگی رابطه دو کشور ایران و مصر (۱۳۵۷-۱۴۰۰) موثر بوده اند. فرضیه پژوهش هم براین اصل استوار است که نفوذ معنوی و ترس از افزایش قدرت منطقه ای و بین المللی جمهوری اسلامی ایران توسط بازیگران منطقه ای همچون عربستان، ترکیه، امارات، رژیم صهیونیستی، اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس مولفه تاثیر گذار بر تیرگی روابط ایران و مصر در فاصله سالهای (۱۳۵۷-۱۴۰۰) می باشد. چارچوب نظری. مقاله پیش رو، بر اساس نظریه سازه انگاری است که مبنای هنجاری-ارزشی دارد و با بهره گیری از روش کتابخانه ای و تحلیلی-توصیفی و استناد به منابع مختلف؛ سوال اصلی و فرضیه در نظر گرفته شده را مورد آزمون قرار داده است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، اعراب و اسرائیل، اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس.

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۲۰، شماره ۶۷، تابستان ۱۴۰۳

^۱ - دانشجوی دکتری روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

^۲ - دانشیار گروه روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسول)

IR.Alirezarezaei@gmail.com

^۳ - دانشیار گروه روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

۱-مقدمه

سرزمین مصر و ایران از دیرباز باهم ارتباطات تاریخی، اقتصادی و فرهنگی داشته اند که شناخت پیشینه روابط دو کشور می تواند به درک موقعیت و ضرورت های کنونی کمک کند. از اینرو، مسائل دو کشور عمدتاً به دلایل سیاسی، بین المللی، تاریخی، فرهنگی و نیز قومی-جغرافیایی به یکدیگر نزدیک می باشد. دو کشور، کم و بیش از نظر ظرفیت های تاریخی-تمدنی همسان اند. از لحاظ جمعیت، وسعت، قدمت، اصالت تاریخی و تمدنی، فعالیت های اجتماعی و فرهنگی و داشتن تحولات بزرگ و اثر گذاری سیاسی و دینی مشابهت هایی با هم دارند. اگر چه هر یک از دو کشور عموماً با یکدیگر مرتبط بوده اند، اما هم وزن و هم سطح بودن نسبی آن ها، به طور طبیعی نوعی رقابت را ایجاد می کند. از سویی دیگر، روابط دو کشور با پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹ رو به سردی و تنش بیشتر گرایید و در نهایت با امضای پیمان کمپ دیوید قطع شد (درویشی و مظفری، ۱۳۹۷: ۱). از تیرگی روابط دو کشور مهم و تاثیرگذار منطقه خاورمیانه و جهان اسلام در حالی نزدیک به چهار دهه می گذرد که به لحاظ تاریخی و از گذشته های دور با یکدیگر مرادوات مختلف داشته و در ایجاد صلح و ثبات در جهان اسلام نقش حیاتی ایفا می کردند. اما، پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران به علت عوامل مختلفی، روابط دو کشور رو به تیرگی نهاده و در طول دهه های فوق، شاهد فراز و نشیب های فراوانی بوده است. این در حالی است که ایران و مصر به عنوان دو رکن تمدن غرب آسیا و شمال آفریقا، می توانند بیشترین نقش را در تحولات منطقه ای و بین المللی به ویژه جهان اسلام ایفا کنند. نقش ایران در منطقه خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز بی بدیل بوده و مصر در جهان عرب و شمال آفریقا نیز نقشی محوری دارد. مصر، به عنوان نقطه تلاقی آفریقا، اروپا و ایران، دریچه ورود به آسیا به شمار می رود. همچنین تسلط دو کشور بر دو آبراه مهم و حیاتی جهان یعنی کانال سوئز و تنگه هرمز، جایگاه راهبردی را برای دو کشور رقم زده است (مظاهری و احمد زاده، ۱۳۹۱: ۱۵۶).

بااین وجود، روابط دو کشور از گذشته تاکنون، با تغییر مولفه های عمده، اغلب دستخوش تحولات و نوساناتی بوده است. در برخی مقاطع کوتاه (قبل از انقلاب)، روابط ایندو به علت

نقش بازیگران منطقه ای بر تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران و مصر (۱۴۰۰-۱۳۵۷) /

ساسانی- رضایی- ترابی

نزدیکی دیدگاه های دو طرف نسبت به مسائل بین المللی و منطقه ای، همسویی دو کشور به یکی از قطب های قدرت جهانی و برداشت یکسان و هماهنگ نخبگان سیاسی تهران و قاهره از ماهیت نظام بین الملل؛ مناسبات مستحکم و پایداری را به دنبال داشته است. در این میان، روابط دو کشور طی سه دهه اخیر شاهد هیچگونه تحولات علنی نبود جز دوباره؛ اولی در انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ مصر (زمانی که رهبر ایران به زبان عربی سخنرانی کرد و از حقوق ملت مصر علیه حسنی مبارک دفاع کرد) و دیگری سفر محمد مرسى به تهران و شرکت در یک نشست بین المللی در زمان ریاست جمهوری اش و همچنین استقبال وی از محمود احمدی نژاد در قاهره. جز این دو مواضع، هیچگونه ارتباط مستقیمی میان سیاستمداران مصری و ایرانی وجود نداشت (القاعود، ۱۳۹۸: ۱).

با توجه به قدرت روزافزون و نفوذ معنوی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان اسلام، پرسش محوری پژوهش حاضر این است که کدام یک از بازیگران منطقه ای و به چه دلایلی تلاش کرده اند تا روابط میان ایران و مصر، بهبود پیدا نکند.

۲- چارچوب نظری

یکی از مهمترین نظریه های جدید در روابط بین الملل که در دهه های اخیر از اهمیت قابل توجهی نزد محققان این حوزه پیدا کرده است، نظریه سازه انگاری می باشد. سازه انگاری، در واقع یک نظریه عام روابط بین الملل است. چون نظریه های خردگرا نمی توانند نقش تکوین دهنده انگاره ها، ایده ها، ارزش ها، هنجارها و هویت بر منافع، کنش ها و رفتارها را که در چارچوب ساختارهای غیر مادی مانند ایدئولوژی، فرهنگ و دانش شکل می گیرد تبیین کنند، نظریه ای لازم است که بتواند نقش تکوین دهنده این ساختارهای انگاره ای را در روابط بین الملل تحلیل و تبیین کند.

این نظریه، بر نقش تکوین دهنده ایده ها و انگاره ها در نظام بین الملل و بر ساخته شدن هویت و منافع بازیگران بین المللی تاکید و تمرکز می کند. چون کنش ها در نظام بین الملل ماهیتاً به صورت اجتماعی شکل می گیرند و رفتار بازیگران نیز معلول منافع مادی و ساختار مادی نظام بین الملل و محدودیت های آن نیستند، بلکه معلول چگونگی درک این منافع است که بر اساس ایده ها و ساختار انگاره ای تکوین می یابند (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۷: ۱۴۰). سازه انگاری، نگرشی نو به نقش عقلانیت در وضعیتها و پدیده های دسته جمعی انسان ها است و همانگونه که بر ساختارهای مادی - اجتماعی تأکید می کند، ساختارهای هنجاری و نقشهای

اجتماعی انسان را محدود می‌کند. سازه‌انگاری، مطالعه چیزهایی است که انسان را رهایی می‌بخشد (حق پناه، ۱۳۹۰: ۹۴).

سازه‌انگاری رویکردی است که از سوی "جان راگی" و "نیکلاس اونف" در روابط بین الملل گسترش یافت. سازه‌انگاری از منظر معرفت‌شناسی حدّ وسط «پوزیتیویسم» و «پسا پوزیتیویسم» ارزیابی می‌شود. مهم‌ترین اصل هستی‌شناختی سازه‌انگاری ناظر به این است که «ساختارهای فکری و معرفتی» دست‌کم به اندازه «ساختارهای مادی» اهمیت دارند؛ چرا که این نظام‌های بامعنا هستند که تعریف می‌کنند؛ کنشگران چگونه باید محیط مادی خود را تفسیر کنند. حتی اساساً، امکان دسترسی مستقل به جهان وجود ندارد و همه کنشهای انسانی در فضایی اجتماعی صورت می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند و این معناسازی است که کم و بیش به واقعیت جهان شکل می‌دهد. مهمترین گزاره‌های نظریه سازه‌انگاری را می‌توان به شکل زیر عنوان کرد:

۱. همه سازه‌انگاران واقعیت را بر ساخته‌ای اجتماعی می‌دانند.
۲. کارگزاران، ساختارها یا فرایندها و نهادها را در پیوند و قوام متقابل با هم می‌انگارند. برای آنها آتارشی یک جامعه، ناشی از رفتار دولتها است.
۳. برای تعیین قانونمندی و پیش‌بینی پذیری رفتار دولتها و برقراری نظم، هویت و منافع نقش ویژه‌ای در نگاه آنها دارند.
۴. ساختارهای فکری و هنجاری نیز به اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند، زیرا این نظام‌های بامعنا هستند که برپایه آن بازیگران محیط مادی خود را تفسیر می‌کنند (شفیعی، ۱۳۹۰: ۱۱۴-۱۲۹).

از دیدگاه سازه‌انگاری، برای درک سیاست خارجی کشورها، در کنار ساختارهای مادی، باید به ساختارهای معرفتی، ایده‌ها، باورها، هنجارها و اندیشه‌ها نیز توجه داشت. از دیدگاه سازه‌انگاری، هویتها، هنجارها و فرهنگها نقش مهمی در سیاست خارجی بازی می‌کنند. هویتها و منافع دولتها را هنجارها، تعاملات و فرهنگها می‌سازند و همین فرایند است که تعامل میان دولتها را پیش می‌کشد (شفیعی، ۱۳۹۰: ۱۱۴-۱۲۹). براساس این رویکرد نمی‌توان سیاست بین‌الملل را در حد یک سلسله تعاملات و رفتارهای عقلایی و در چارچوبهای صرف مادی و نهادی در سطوح ملی و بین‌المللی تقلیل داد. زیرا تعاملات دولتها صرفاً براساس یک سلسله منافع ملی تثبیت شده شکل نگرفته بلکه در طول زمان به صورت نوعی الگوی رفتاری از طریق هویتها تشکیل می‌یابند و یا باعث تشکل هویتها می‌گردند. سازه‌انگاری اجتماعی مدلی از

نقش بازیگران منطقه ای بر تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران و مصر (۱۴۰۰-۱۳۵۷) /

ساسانی- رضایی- ترابی

تعاملات بین المللی را ارائه میدهد که در طی آن مساعی لازم بعمل میآورد تا تأثیر هنجاری ساختارهای نهادی بنیادی را بررسی کرده، ارتباط میان دگرگونیهای هنجاری، هویت و منافع دولتها را مشخص نماید. از آنجائیکه هویت دولتها به زمینه های تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بستگی دارد، بنابراین آن می تواند در یک وضعیت متغیر بسربرد (قوام، ۱۳۸۴: ۴-۶). اگر در رویکرد واقع گرایانه، سیاست خارجی دولتها ریشه در ملاحظات عقلایی و منافع ملی دارد، در نظریه سازه انگاری، نوع رفتار ناشی از هنجارهایی است که دیگران از دولت انتظار دارند. همچنین در رفتار سیاست خارجی دولتها، متغیرهای سیستماتیک نظام بین الملل و متغیرهای داخلی همزمان مؤثرند. دولتها، منافع و هدفهای ثابت و تغییرناپذیر ندارند، پس هنجارهای داخلی و بین المللی، متغیر مستقل، و سیاست خارجی، متغیر وابسته هستند. سررشته سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز در قبال کشور انقلابی مصر، به زنجیره بی شماری از عناصر تأثیرگذار همچون «تأثیر آموزه ها و تعلقات مذهبی، نگاه تاریخی و آرمان گرایی سنتی ایرانی ها نسبت به دوستان و دشمنان، محیط ذهنی و پیرامونی» پیوسته است که به دلیل تعدد و درهم تنیدگی این عناصر، امکان تعیین وزن هر یک از آنها کاری دشوار است. اهمیت و جایگاه هنجارها با ویژگی ها و مختصاتی از این دست از آنجاست که مطابق رهیافت سازه انگاری با درک چگونگی تأثیرگذاری هنجارها بر هویت، می توان چگونگی تعریف منافع ملی را که اساس سیاست خارجی یک کشور است، درک کرد. با این رویکرد به نظر می رسد که پس از انقلاب اسلامی، «هنجارهای دینی و سنتی ما قبل اسلام و ما بعد آن» دارای وزن و اعتبار ویژه ای در میان لایه های متعدد هویتی و فرهنگی سیاست خارجی است (قوام، ۱۳۸۴: ۱۱۸).

امروزه، بسیاری از پژوهشگران روابط بین الملل، دین را به عنوان عاملی توضیح دهنده در رخدادهای جهانی پذیرفته و آن را عامل مهمی در سیاست گذاری می دانند حتی برخی از نویسندگان و نظریه پردازان غربی پس از اشاره به پیشینه موضوع و تحولات جاری پیش بینی می کنند که یک جنبش جهانی و نیرومند به سود حاکمیت دین در پیش است. این پژوهشگران برخلاف واقع گرایان، تنها به کارکردهای ابزارگونه آن در سیاست خارجی بسنده نمی کنند. بلکه در وجه ایجابی به نقش مذهب به عنوان یک متغیر مستقل در ایجاد یکپارچگی ملی و عامل ثبات سیاسی بین المللی می پردازند. این تلقی سازه انگارانه از جایگاه و تأثیر هنجارهای

دینی، امروزه به طور خاص منزلت ایدئولوژیک ایران در بعد بیرونی به ویژه در سطح افکار عمومی منطقه و الگودهی به جنبش‌های اسلامگرا را توضیح میدهد (ازغندی، ۱۳۸۶: ۲۰). بنابراین، برخلاف جریان اصلی در روابط بین الملل که هویت کنش گران را در نظام بین الملل، مفروض و ایستا فرض می‌کنند، هویت کنش گران به تعبیر سازه‌انگاری «ساخته» می‌شود. با این «ساخت» است که منافع ملی و همچنین کنش‌های کنش گران شکل می‌گیرد. از این منظر، گفته می‌شود که کنش گران، قائم به شکل اجتماعی بوده و هویت آنها محصول ساختارهای اجتماعی بین‌الذهانی است. یکی از مهم‌ترین نتایج این توجه به هویت، احیای تفاوت‌ها میان دولت‌هاست. یعنی واحدهای سیاسی، عملاً در سیاست جهان درجه‌ی بازیگران مختلفی جلوه‌گر می‌شوند و دولت‌های گوناگون براساس هویت‌های هر یک از دولت‌های دیگر، رفتار متفاوتی در قبال آنها دارند. به همین دلیل است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ویژگی‌ها و مختصات منحصر به فرد و متمایز خود را طی چندین دهه حفظ کرده و آنها را در فرایند رفتاری به کار گرفته است (جکسون، ۱۳۸۵: ۱۳۵).

به عبارت دیگر، تأثیرگذاری بافت هویتی آن محدود به دوره‌ی تدوین قانون اساسی یا مراحل اولیه‌ی شکل‌گیری انقلاب نبوده، بلکه برای مثال می‌توان گفت که درمسئله مصر برداشت اخلاقی و دینی از وظایف موجب شد که اعتقاد به راهبرد مواجهه با نظم هژمونیک ایالات متحده و تلاش برای برقراری نظام عادلانه‌ی بین‌المللی و اهتمام به صدور فرهنگ و انقلاب اسلامی، امتداد عملی یابد و در ادامه به مکتبی شدن سیاست خارجی و به تبع آن شکل‌گیری هویت در دولت منجر شود (ازغندی، ۱۳۸۶: ۲۰). در واقع ایران اسلامی با رهیافت سازه‌انگاری، شدیدترین ضربه به منافع ایالات متحده در مصر محسوب می‌شود و این انقلاب در درجه‌ی اول باعث بالفعل شدن بسیاری از اعتراضات اجتماعی در این کشور شده است (ولی پور و رزمی، ۱۳۸۳: ۲۲۶).

علاوه بر این، در حوزه‌ی نظریه‌پردازی روابط بین الملل و در طرح مقوله‌ی "رژیم‌ها و تأکید بر قواعد و هنجارها در شکل دادن به رفتار دولت‌ها" رویکردی سازه‌انگارانه داشته‌اند. "الکساندر ونت" اولین کسی است که در چارچوب این رهیافت خود را سازه‌انگار تلقی می‌کند و با نگارش کتاب "نظریه اجتماعی سیاست بین الملل"، درصدد دست‌یابی به یک نظریه‌ی کلان در حوزه‌ی روابط بین الملل برمی‌آید. وی هویت دولت را حاصل ساختارهای معرفتی کلان اجتماعی در نظام بین الملل می‌داند. از نظر وی، هویت دولت یک برساخته اجتماعی است که

نقش بازیگران منطقه ای بر تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران و مصر (۱۴۰۰-۱۳۵۷) /

ساسانی- رضایی- ترابی

در تعامل بازیگران در نظام بین الملل شکل می گیرد و هنجارها، رویه ها، و ساختارهای معرفتی، نقش متغیر مستقل را در ساخت این هویت سازی بازی می کنند (دانش نیا، ۱۳۹۴: ۶۹).

۳- سابقه تاریخی روابط ایران و مصر

ارتباط ایران با منطقه شمال آفریقا سابقه طولانی دارد. ارتباط و تحکیم مناسبات بین ایران و مصر به دوران هخامنشی باز می گردد که در این دوره، کوروش پادشاه هخامنشی با مصر رابطه حسنه برقرار کرد و "نفرتی" دختر فرعون را برای تحکیم این روابط به عقد خویش در آورد (پیرنیا، ۱۳۶۲: ۴۷۸). در منابع و کتب مصری نیز آمده که ایرانیان در دوره هخامنشیان به فرمان «داریوش»، تقویم و طب را از مصریان آموخته و در مقابل نیز مصریان، از نظام آبیاری ایرانیان موسوم به قنات الگوبرداری کردند. همچنین، به دستور داریوش کتابخانه هایی در مصر احداث گردید که تا آن زمان در این کشور ناشناخته بود (مظاهری و احمدزاده، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

با انقراض دولت هخامنشی پس از ۲۲۰ سال، ایران و مصر در قلمرو گسترده امپراتوری اسکندر مقدونی و سرداران وی تحت عنوان "بطلمیوس" قرار گرفتند که تا سال ۳۰ قبل میلاد سقوط کرد (علیزاده، ۱۳۸۴: ۲۳). سپس رومیان در قرن اول ق. م، بر مصر غلبه کردند. سیطره و تسلط دولت روم و سپس روم شرقی بر مصر ۶/۵ قرن به طول انجامید و در تصرف ایشان بود تا سال بیستم هجری که به دست مسلمانان فتح شد (فقیهی، ۱۳۲۵: ۱۳). با ظهور اسلام رابطه ایران و مصر از این تاریخ تحت عنوان سرزمین های خلافت اسلامی با یکدیگر وارد مرحله جدیدی شد (گلجان، ۱۳۸۴: ۱۱). بنابراین، بزرگترین همبستگی فرهنگی، فکری و معنوی بین ایرانیان و مسلمانان شمال آفریقا پی ریزی شد (مظاهری و احمدزاده، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

در ارتباط با روابط فرهنگی- اجتماعی دو کشور، کتاب «صبح الاعشی»، قلقشندی از برگزاری نوروز-النوروز- در مصر سخن به میان آورده است. همچنین، مصریان به تقلید از ایرانیان، روز اعتدال بهاری-شیم النیسیم- را جشن گرفته و مهرجان-مهرگان- روز آغاز سال کشاورزی مصر گردید (خسرو شاهی، ۱۳۷۹، ۱۲۷). با ظهور اسلام در جزیره العرب، خیلی زود به تسلط رومی ها در حوزه مدیترانه و شمال آفریقا پایان داده شد و ایرانیان از همان ابتدا با قبول اسلام، نقش عمده ای در رهبری فکری و معنوی دنیای اسلام به دست آوردند. با گسترش ارتباط معنوی و نفوذ اسلام به کشورهای آفریقایی، بزرگترین همبستگی فرهنگی بین ایرانیان و مسلمانان شمال آفریقا پی ریزی گردید. طبق مدارک تاریخی، حسن صباح در سال ۴۶۹ هجری

قمری (۱۰۹۱ میلادی) در زمان زمامداری المستنصر، هشتمین خلیفه فاطمی شخصا به مصر سفر کرده و به دستور خلیفه، «داعی الدعاه» مصر و گروهی از مقامات دستگاه خلافت، از رهبر نهضت اسماعیلی رسماً استقبال کردند. حسن صباح مدت یک سال و نیم در مصر به سر برد و از خلیفه، منشور رهبری مسلمانان را دریافت کرد (اداره هشتم وزارت امور خارجه، ۱۳۵۳: ۲۷). در دوره معاصر، بویژه در اواخر قرن بیستم، از دواخ فوزیه خواهر ملک فاروق با محمدرضا پهلوی و همچنین مساعدت شاه در زمینه گسترش روابط مصر و آلمان؛ به استحکام روابط تهران و قاهره انجامید. در همین دوره، مصر برای پیوستن به پیمان سعد آباد که در ژوئن سال ۱۹۳۷ میان ایران، ترکیه، عراق و افغانستان منعقد شده بود، ابراز تمایل کرد. اما فشار دولت انگلیس، مصری ها را از این عمل منصرف نمود. با سقوط آلمان نازی و متارکه خواهر فاروق از محمد رضا پهلوی در سال ۱۹۴۸، نه تنها آغاز جدایی دو خاندان حاکم بود، بلکه به شروع گسست مناسبات دو دولت نیز منجر شد (احمدی، ۱۳۷۹: ۴۵). این روند، بابه قدرت رسیدن جمال عبدالناصر و هم پیمانی شاه ایران با رژیم صهیونیستی، تشدید و موجب تیرگی کامل روابط دو جانبه گردید به گونه ای که در سال ۱۳۲۹ شمسی جمال عبدالناصر در نطق شدید الحنی علیه حکومت شاه دستور قطع رابطه سیاسی با تهران را به دلیل هم پیمانی شاه با اشغال گران صهیونیست صادر کرد (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴: ۳).

پس از مرگ جمال عبدالناصر، جنگ سرد میان دو کشور نیز خاتمه یافت و با روی کار آمدن انور سادات فرصت بزرگی برای نزدیک شدن دو کشور به وجود آمد. شاه از موافقتنامه ۱۹۷۵ سینا و مطابق آن قرارداد کمپ دیوید میان اسرائیل و مصر استقبال کرد. سادات نیز در جریان انقلاب همواره از شاه حمایت می کرد و حتی یک بار حسنی مبارک، معاون خود را به تهران فرستاد تا بر دوستی با شاه تاکید و منافع راهبردی دو کشور را یادآوری نماید. اوج این حمایت در واقعه جمعه سیاه (۱۷ شهریور ۱۳۵۷) نمایان شد که سادات بی قید و شرط حمایت علنی خود را از رژیم محمدرضا شاه اعلام داشت (Ramazani, 1986: 164).

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و چرخش مواضع و دیدگاه های ایران در برابر تحولات منطقه ای و بین المللی، امضای قرارداد کمپ دیوید و سفر محمدرضا شاه پس از فرار از ایران به مصر، موجب تغییر رفتار دو کشور نسبت به یکدیگر شد و روابط سیاسی دو کشور در تاریخ، ۱۳۵۸/۲/۱ به فرمان امام خمینی (ره) قطع گردید (احمدی، ۱۳۷۹: ۶۳). در ادامه این روند، روابط دو جانبه در طی چند دهه اخیر علیرغم تلاش های دوسویه با فرار و نشیب هایی زیادی همراه بوده است. در این میان، اتهام های دو کشور علیه یکدیگر در ارتباط با حمایت ایران از گروه

نقش بازیگران منطقه ای بر تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران و مصر (۱۴۰۰-۱۳۵۷) /

ساسانی- رضایی- ترابی

های جهادی و مداخله درمسائل خاورمیانه به ویژه فلسطین ازسوی مصر و اتهامات متقابل ایران به مصر، دخالت در حوزه خلیج فارس و طرح ادعای واهی کشورهای عربی درموارد جزایر سه گانه بر مشکلات موجود بین دو کشور افزوده است. و این عوامل همچنان سبب تیرگی روابط دو کشور شده که تاکنون نیز ادامه دارد.

۴- نقش و تاثیر بازیگران منطقه ای در تیرگی روابط ایران و مصر

با وجود برخی زمینه ها و ضرورت احیا و گسترش روابط ایران و مصر، هنوز برخی عوامل وجود دارند که مصری ها را وادار به برخورد محتاطانه با موضوع تجدید روابط با ایران می کنند که بخش مهمی از آنها ریشه در تاثیر گذاری بازیگران منطقه ای، اعم از کشورها و سازمانهای منطقه ای دارد. اساس این ترس، به نفوذ و قدرت منطقه ای ایران بر می گردد. این قدرت، سبب گردیده تا بازیگران، افزایش قدرت ایران را چالش جدی برای منطقه به حساب آورند. این نگرانی ناشی از آن است که ایران به بازیگر اول منطقه ای تبدیل نگردد و بر بسیاری از تصمیمات سیاسی اثرگذار نباشد.

الف- عربستان

عربستان در میان کشورهای عربی و جهان اسلام، از تاثیر گذاری بالایی برخوردار است. این کشور در منطقه، به دنبال تغییرات در کشورهای منطقه و جهان اسلام به ضرر ایران است. هدف عربستان، گسترش الگوی خاص در سطح منطقه نیست، بلکه این کشور تلاش دارد تا توازن منطقه ای را به ضرر جمهوری اسلامی ایران تغییر دهد. البته در مواردی نیز کشورهای این جریان از تغییرات در برخی کشورهای منطقه، به خصوص در آنجایی که تغییرات به سود جمهوری اسلامی ایران تمام می شود حمایت نکرده اند. بخش مهمی از این سیاست به دلیل ممانعت از تغییر شرایط به سود جمهوری اسلامی ایران است (قاسم ترابی، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

عربستان در چارچوب رقابت ایران بر سر برتری منطقه ای، به شدت از گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در برخی از کشورهای منطقه و تشکیل آنچه که تحت عنوان " هلال شیعی" نامیده می شود نگران بوده و تلاش می کند تا آن را مهار نماید. این کشور، نظم شکل گرفته پس از تحولات جهان عرب (بیداری اسلامی) را قبول ندارد و این توازن قدرت منطقه ای را در تقابل با سیاست های خود ارزیابی می کند. به همین علت، به دنبال آن است تا با بهره گیری از بحران ها و فرصت های موجود، نظم و توازن قدرت منطقه ای موجود را به نفع خود تغییر دهد.

الگوی رفتاری این کشور، بیانگر آن است که نمی خواهد به ایران در منطقه اجازه داده شود تا قدرت منطقه ای ایران ادامه پیدا کند (قاسم ترابی، ۱۳۹۰: ۱۳۵-۱۳۶).

در این راستا، عربستان در رابطه با کشور مهم و تاثیر گذاری مانند مصر به دنبال آن است تا در راستای پروژه جلوگیری از حضور نفوذ ایران در کشورهای جهان اسلام و عرب، به تضعیف ایران و نفوذش در منطقه پرداخته و مانع از ایجاد روابط حسنه میان کشورهای عربی با ایران شود. در وهله اول، عربستان به دنبال آن است تا از "مذهب"، به عنوان ابزاری در جهت تحقق این ایده استفاده نماید. از اینرو، عربستان به مصر به عنوان کشوری سنی مذهب نگاه می کند که توانایی همترازی مذهبی منطقه ای با ایران شیعه مذهب را دارد. در همین زمینه، روزنامه "وال استریت ژورنال" آمریکایی می نویسد: "مصر و ترکیه، متحدان قدرت های سنی مذهب درباره این مسئله که ایران تهدید اصلی محسوب می شود با یکدیگر اختلاف نظر دارند. عربستان سعودی در رویارویی منطقه ای خود با تهران، روی مصر و ترکیه، به عنوان دو قدرت همتراز ایران شیعه، حساب می کند." (<http://www.qarar57.ir> ۱۴/۱۴/۱۳۹۵). حسنی مبارک رییس جمهور اسبق و سرنگون شده مصر نیز به این مساله که ایران در میان شیعیان نفوذ زیادی دارد اعتراف داشته و به طور تلویحی نگرانی خود را از این مساله ابراز داشته است. وی در سال ۲۰۰۶ گفته بود: "شیعیان در جهان عرب به ایران وفادار ترند تا کشور خود" (90: Barzegar, 2008).

بعد از شکل گیری انقلاب در مصر، ترس عربستان سعودی از ایران از اظهارات وزیر خارجه شورای نظامی انتقالی مصر کاملاً هویدا بود. این ترس، با روی کار آمدن دولت اخوانی و نگرانی عربستان از نزدیکی اخوان المسلمین با ایران بیشتر گردید. اما با سرنگونی دولت اخوان و مرسی توسط ارتش، نگرانی عربستان با روی کار آمدن دولت نظامی تاحدودی مرتفع گردید. پس از ریاست جمهوری السیسی، وی به دنبال آن بود تا وابستگی اش را به عربستان سعودی نشان دهد و این به علت مشکلات اقتصادی ای مصر بوده است. از اینرو، در اولین روابط رسمی فیما بین؛ عربستانی ها نیز قبل از ورود به مصر با شناخت از این نقطه ضعف اعلام کرده بودند که با کیسه هایی پر از پول به مصر می روند. اولین سفر ملک سلمان به مصر نیز با استقبال وسیع مصری ها همراه بود به گونه ای که همه خیابانهای قاهره پر از تصاویر پادشاه عربستان شده بود. السیسی نیز برای تمجید از ملک سلمان نشان "نیل" را به گردن وی آویخت. رسانه های دو کشور به طور گسترده اخبار مربوط به این سفر را پوشش خبری دادند.

نقش بازیگران منطقه ای بر تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران و مصر (۱۴۰۰-۱۳۵۷)

ساسانی- رضایی - ترابی

کارشناسان یکی از اهداف سفر سلمان به مصر را مساله ایران و نفوذ این کشور در منطقه و خطرناک بودن ایران برای کشورهای عربی منطقه می دانستند. عربستان، تلاش می نمود تا پای مصر را به جنگ در سوریه و یمن و عراق برای جلوگیری از نفوذ ایران باز نماید. در این راستا، "سامح شکری" وزیر امور خارجه مصر در دولت السیسی با غزلسرایی و تعریف و تمجید از عربستان، مواضع ایران را در منطقه به باد انتقاد گرفت و تأکید کرد که قاهره به قطع روابط با تهران ادامه می دهد. در همین زمان، مصر با حذف شبکه «المنار» از ماهواره «نایل ست»، با هدیه ارزشمندی به استقبال «ملک سلمان» رفت. برخی از تحلیل گران، با توجه به وابستگی اقتصادی مصر به عربستان و تأمین بخشی از درآمد خود از طریق ارتباطات تجاری با کشورهای این حوزه، معتقدند که مصر در ارتباط با ایران تا حدود زیادی مجبور به حمایت از این کشورها در مقابل ایران می باشد که این امر هم نقش مهمی در تیرگی روابط دو جانبه این کشور با ایران داشته است (عجم، ۱۳۹۵: ۱).

علی رغم دیدگاههای مختلف، آنچه که مهم می باشد این است که مصر به محوری بین المللی نزدیک شده که ایران نیز در یک سوی آن قرار دارد و نزدیکی به ایران را به نفع خود نمی بیند چون در این صورت رابطه اش با عربستان سعودی از تیرگی به دشمنی خواهد رسید و خشم متحدان عربستان سعودی نیز علیه مصر برانگیخته خواهد شد. در شرایطی که اقتصاد مصر بشدت با اقتصاد کشورهای خلیج فارس درهم تنیده و میلیونها مصری که در این کشورها کار می کنند، منبع تأمین زندگی بخش قابل توجهی از جمعیت مصرند، مصریها به هیچ عنوان نمی توانند از پس ایستادن در برابر محور عربستان سعودی تا سرحد برقراری رابطه با ایران بریابند (<http://roobahnews.com>، ۱۸ آبان ۱۳۹۵).

اما سوال اساسی آن است که عربستان چرا از نزدیکی و روابط ایران و مصر ترس دارد؟ در پاسخ باید تأکید نمود که با نزدیکی ایران و مصر به یکدیگر، بی شک دو تمدن کهن و تاریخی، بعد سال ها به تبادلات در حوزه های مختلف خواهند پرداخت. در این صورت، در بازی سه گانه عربستان - ایران - مصر، این عربستان است که دچار انزوای تمدنی منفک از مذهب خواهد شد. از سوی دیگر، به دلیل وجود "الازهر"، قرابت حوزه علمیه قم با این مرکز علمی بیشتر شده و وحدت امت اسلامی ضمن مرادوات در حوزه های مختلف؛ گسترش بیشتری پیدا خواهد کرد.

این مسئله موجب کاهش ضریب نفوذ عربستان در میان اهل تسنن ایران خواهد شد. از سویی دیگر، نزدیکی ایران و مصر به یکدیگر در هر حدی که صورت پذیرد می تواند در دو قطبی منطقه، تغییراتی حاصل کند. جریان سازش به رهبری عربستان سعودی - هرچند کارگزار عینی چنین جریانی نیست - در مقابل جریان مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران دچار ضعف خواهد شد. اهمیت اسلام گرایان در منطقه، در اثر ارتباط تهران - قاهره بی شک افزایش می یابد. در هر صورت نزدیکی تهران و قاهره، یعنی ارتباط دو منبع اصلی اسلامگرایان شیعی و سنی موجب تحولات شکلی و ماهوی در مسائل منطقه ای میگردد.

ب- ترکیه

یکی دیگر از کشورهای مهم که توانسته نقش مهمی در تحولات منطقه ایفا نماید ترکیه می باشد. ترکیه از آنجایی که زمانی سکandar خلافت اسلامی بوده، برای خودش نقش رهبری سنتی در منطقه قایل می باشد و به دنبال احیای رهبری مجدد و یا حداقل، نفوذ و تاثیرگذاری بر کشورهای اسلامی است. از اینرو، وارد فاز رقابت های منطقه ای شده و به مانند عربستان از نفوذ سیاسی و مذهبی ایران در منطقه هراس دارد و تلاش می کند تا از این نفوذ، ممانعت به عمل آورد. قابل ذکر است که اختلافات متعدد منطقه ای ایرانیان و ترکان آن سوی مرزها، طی سالیان متمادی و برخلاف ظهور و سقوط حکومت های گوناگون در هر دو کشور، نشان از آن دارد که بیش از آنکه اراده و سیاست ورزی حاکمانشان نقشی در این روابط بازی کند؛ "موقعیت ژئوپلیتیک" دو سرزمین بر چگونگی این روابط تاثیر گذاشته است (محمد صادق کوشکی، احسان کیانی، ۱۳۹۴، ۱۱۶).

دولت ترکیه از سال ۲۰۰۲ و با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و با توجه به پیشنهادهای که که "داوود احمد اوغلو" نظریه پرداز سیاست خارجی این کشور در یک دهه اخیر، در کتاب "عمق استراتژیک" در مورد سیاست خارجی ترکیه داشته، در صدد برآمد که به عنوان یک قدرت مرکزی خود را محدود به نقش منطقه ای در بالکان یا خاورمیانه ننموده؛ بلکه نقش یک رهبری و هژمونی را در چندین منطقه ایفانماید. از جمله این مناطق، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است. در این راستا، دولت ترکیه در پی آن بوده است تا همکاری و هماهنگی دولتهای منطقه و از آن جمله دولتهای برآمده از انقلاب در سه کشور مصر، تونس و لیبی را با دیدگاهها و نظریات حکومت داری، سیاست های منطقه ای و بین المللی و همچنین رویکرد اقتصادی خود هماهنگ سازد تا از این طریق بتوان قدرت مانورش را در سطح بین الملل بالا برد و پوشش امنیتی پیرامون خود را مستحکم تر نماید (نیاکویی، بهمنش، ۱۳۹۲، ص ۱۰۵).

نقش بازیگران منطقه ای بر تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران و مصر (۱۴۰۰-۱۳۵۷) /

ساسانی- رضایی- ترابی

با شروع جنبش های منطقه، دولت ترکیه با توجه به رویکرد جدید خود، فعالیت های گسترده ای را در جهت پی گیری اهداف و منافع خود در ارتباط با این تحولات آغاز کرد. این تحولات از چند جهت برای ترکیه حایز اهمیت بوده است: نخست، دولت ترکیه در تعامل با تحولات مذکور به دنبال آن بوده تا با تحلیل دقیق شرایط، منافع اقتصادی خود را در کشورهای متأثر از این تحولات حفظ نموده و روابط اقتصادی خود را با دولتهای جدید برآمده از این انقلابها افزایش دهند. دوم، دولت ترکیه در تلاش بوده است تا از فرصت و شرایطی که دگرگونی های بنیادین سیاسی-اجتماعی در کشورهای منطقه می توانسته به همراه داشته باشد، در جهت آرایه و تبلیغ سیستم سیاسی خود به عنوان سیستمی که می تواند در این کشورها جایگزین سیستم های سیاسی قبل شود، به بهترین وجه استفاده نماید. در نهایت، دولت ترکیه در پی آن بوده تا با برقراری همگرایی سیاسی و اقتصادی و ایجاد اتحاد میان این دولتها با دولت ترکیه، بتواند با قبولاندن نقش هژمونیک خود در منطقه به این دسته از دولتها و همراه نمودن آنها با سیاست های منطقه ای خود به ساخت منطقه نوین مورد نظر خود نایل آمد (نیاکویی، بهمنش، ۱۳۹۲، ص ۱۰۵).

درباره رابطه مصر و ترکیه با یکدیگر شایان ذکر است که مصر به عنوان کشوری سنی مذهب که نقطه مشترک این کشور با ترکیه می باشد، همواره مورد توجه ترکیه بوده است. این توجه در دوران مختلف دولتها در ترکیه به طرق مختلف ظهور نموده است. به عنوان مثال، حکومت حزب عدالت و توسعه ترکیه با پی گیری سیاست های منطقه ای مبتنی بر حمایت از اسلام گرایی سنی، بر موضوع حمایت از اهل سنت در منطقه تاکید می ورزد. این دولت که روابط خوبی هم با غرب دارد و به واسطه اکثریت سنی مذهب در ژئوپلیتیک آسیای جنوب غربی و شمال آفریقا، سیاست خود را برمبنای قرار گرفتن در بلوک های اسلام گرای سنی (عربستان و مصر دوران مرسی) قرار داده است. برهیمن اساس، آنچه به آن وجهه امنیتی می بخشد مقاومت با سیاست های بلوک منطقه ای جبهه مقاومت در مقابل اسرائیل یعنی ایران، سوریه، عراق و لبنان است (محمد صادق کوشکی، احسان کیانی، ۱۳۹۴، ۱۱۶).

با شکل گیری انقلاب در منطقه، ترکیه درمورد رویدادهای دسامبر ۲۰۱۰ تونس سکوت اختیار کرد. ولی وقتی جرقه های انقلاب در ژانویه ۲۰۱۱ به مصر رسید، حزب عدالت و توسعه متوجه شد تحولاتی شگرف در شرف وقوع است. اردوغان اولین رهبر جهان بود که از حسنی مبارک خواست تا از قدرت کناره گیری کند و "عبد الله گل" اولین رئیس جمهوری بود که بعد از سقوط

حسنى مبارك از قاهره دیدار کرد. این اقدام، باعث افزایش محبوبیت ترکیه و رهبران آن کشور در جامعه مصر گردید، تا آنجا که عبد الله گل پس از ورود به قاهره در دسامبر ۲۰۱۱، مورد استقبال گسترده قرار گرفت. از آنجا که ترکیه مشتاق گسترش روابط اقتصادی خود با بزرگترین کشور جهان عرب بود، اردوغان یک هیئت اقتصادی مهم را به همراه خود به مصر برد. مصری ها از مواضع ترکیه در قبال انقلاب دموکراسی خواه مصر قدردانی کرده و بسیاری از اسلام گرایان، به حزب عدالت و توسعه به عنوان الگویی موفق از یک حزب سیاسی مسلمان میانه رو و عمل گرا نگر هستند (حامد یعقوبی فر، ۱۳۹۲، ۹۷۶-۹۷۷).

انتخاب محمد مرسی به ریاست جمهوری مصر سبب گردید که با توجه به خاستگاه ایدئولوژی شان، ارتباط میان دو کشور بیش از پیش گردد. اگرچه، این پیوند با کودتای نظامی علیه مرسی زیاد به طول نیانجامید، اما اعتقاد بر این است که در کنار عامل ایدئولوژیکی اخوانی؛ یکی دیگر از عوامل نزدیکی مرسی به ترکیه و تاثیر پذیری از آن، مشکلات اقتصادی بعد از انقلاب مصر بوده که مرسی با آن مواجه بوده است و به کمک های اقتصادی ترکیه نیز نیاز داشت. از اینرو، مرسی به منظور جلب رضایت ترکیه و دیگر کشورهای عربی برخی مواقع مواضع ضد ایرانی اتخاذ نمود. مهمترین موضع گیریش نیز در اجلاس نم (جنبش عدم تعهد) در تهران بوده که به نوعی سیاست های ایران را در سوریه زیر سوال برده و خواهان تغییر نظام سوریه گردید. وی، حتی در برخی از سخنرانی هایش به طور تلویحی ایران را مورد خطاب قرار می داد و امنیت کشورهای عربی جنوب خلیج فارس را امنیت مصر می دانست.

به هر حال بعد از سقوط مرسی و روی کار آمدن عبدالفتاح السیسی و بهم ریختن روابط ترکیه و مصر با یکدیگر به علت دولت اخوانی مورد حمایت ترکیه؛ تغییر چندانی از سوی سیاست مدارهای مصری در ارتباط با ایران صورت نگرفت. عبدالفتاح السیسی چه در زمان انتخابات ریاست جمهوری و چه بعد از آن، همچنان سیاست های مصر در رابطه با ایران را به عدم خدشه وارد کردن ایران به ثبات و امنیت خلیج فارس مرتبط دانست. وی با طرح مجدد موضوع امنیت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس که در زمان حکومت "حسنى مبارك" نیز توسط برخی مقامات مصری مطرح می شد، اظهار داشت: "روابط مصر و ایران به عدم خدشه وارد کردن ایران به امنیت و ثبات خلیج فارس مرتبط است. تا زمانی که در این زمینه (امنیت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس) مشکلی وجود داشته باشد، توافقی که به ضرر امنیت ملی عربی باشد رخ نمی دهد. اظهارات وی دوباره نشان داد که مقامات قاهره همچون گذشته تصمیمی جدی برای عادی سازی کامل روابط با ایران ندارند و در این زمینه در انتظار تصمیم گیری و

نقش بازیگران منطقه ای بر تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران و مصر (۱۴۰۰-۱۳۵۷) /

ساسانی- رضایی- ترابی

چراغ سبز دیگر کشورهای عربی همچون عربستان و قطر هستند (T)
<http://www.irdiplomacy.ir/۲/۱۳۹۳>.

ج- امارات متحده عربی

امارات از جمله کشورهای عربی منطقه است که تمایل به قدرتمند شدن ایران یا بهبود روابط با کشورهای بزرگی مانند مصر را ندارد. اگر چه دو کشور، از دیرباز روابط خوب بایکدیگر مخصوصاً در زمینه های تجاری و اقتصادی داشته و دارند. "محمد الجیلانی"، سیاستمدار مصری علت عدم تمایل امارات برای شکل گیری روابط حسنه و همکاری ایران و مصر را بایکدیگر، بیشتر مساله اقتصادی و ترس امارات از ضررهای تجاری و اقتصادی می داند. وی در گفت و گو با شبکه مصری "الطلیعه الاخباریه" اظهار داشت:

دولت امارات تمایل دارد که مصر با ایران وارد جنگ دیپلماتیک و اقتصادی بویژه پس از انقلاب ۲۵ ژانویه که منجر به سرنوشتی حسنی مبارک شد، شود. دولت امارات با استفاده از منابع رسانه ای خود در مصر تلاش می کند تا با ایجاد فضای رسانه ای، مانع هرگونه تلاش جدی برای بازگشت روابط دو کشور شود. این در حالی است که روابط ایران و امارات بویژه در مسایل اقتصادی و گردشگری مناسب است. طبیعی است که این تاثیر رسانه ای نقش قوی در تصمیم گیری مسئولان مصری دارد و این در شرایط است که جمهوری اسلامی ایران پس از سرنوشتی حسنی مبارک تلاش های دیپلماتیکی را به کار گرفته و تاکنون نیز این تلاش ها ادامه دارد. عمیق شدن روابط مصر و ایران تا حدی زیادی بر منطقه خلیج فارس و حتی خاورمیانه از لحاظ اقتصادی تاثیر می گذارد به گونه ای که باعث می شود بازگشت روابط میان دو کشور، به انتقال تعداد زیادی از سرمایه های ایرانی به مصر بیانجامد. روابط تهران و قاهره منجر به سرمایه گذاری های گسترده در مصر می شود و در پی آن ممکن است منطقه تجاری سوئز از دبی مهمتر شود و این همان ترس واقعی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس بویژه امارات است) <http://www.irdiplomacy.ir> ، ۲/۲/۱۳۹۳).

امارات همچنین به طور رسمی به حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه و آنچه که این کشور تحت عنوان "بی ثبات کردن منطقه" از آن نام می برد، اعتراض کرده است به گونه ای که "عبدالله بن زاید آل نهیان"، وزیر خارجه امارات متحده عربی در تاریخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۶ (سوم مهر ۱۳۹۵) تندترین انتقاد را علیه جمهوری اسلامی ایران داشته است. "آل نهیان"، در برابر وزرای خارجه حاضر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بخش اصلی سخنان خود با اشاره

به توافق هسته‌ای میان ایران و شش قدرت جهانی گفت: "ایران با سیاست‌های کشورگشایانه" خود، دائماً از "احترام به حق استقلال دیگران سر باز می‌زند" و با "دخالل در امور سایر کشورها مسئول بخش مهمی از بی‌ثباتی‌ها در منطقه است". امضای برجام میان ایران و گروه ۵+۱ از سوی کشورهای منطقه مورد استقبال قرار گرفت و آنها را امیدوار کرد که تغییری در رویکرد تخریبی ایران مشاهده کنند، اما این امید خیلی زود از بین رفت و با وجود همه انتظارات، ایران لحظه‌ای از ناامن کردن منطقه، مسلح کردن گروه‌های شبه‌نظامی و تداوم برنامه‌های موشکی خود دست برداشت و با دخالت بی‌ملاحظه در امور دیگران و لفاظی‌های پرخاشگرانه در کنار حمایت از تروریسم^۱ به این کار ادامه داده است. "آل نهیان" پیش‌تر هم بارها با انتقاد از ایران، این کشور را یکی از علل بی‌ثباتی در حوزه خلیج فارس خوانده بود. وی با مقایسه میان "سرزمین‌های اشغالی فلسطینیان" و جزایر سه گانه تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی، ایران را همانند اسرائیل یک "اشغالگر" معرفی کرده بود (<http://www.bbc.com>، ۱۳۹۵/۷/۳).

اما آنچه در باره ایران و مصر با یکدیگر مرتبط و دارای اهمیت می‌باشد آن است که مصر همیشه از موضع امارات بر حاکمیت بر جزایر سه گانه ایران دفاع کرده است. به گزارش روزنامه مصری "صحیفه الشعب الیومیه اون لاین" از قول "حسام زکی" وزیر امورخاجه امریکا در تاریخ ۲۰ آوریل ۲۰۰۹ نقل کرده است که ایران جزایر سه گانه امارات را اشغال نموده و باید آن را به امارات برگرداند و خواستار تعامل ایران با کشورهای عربی منطقه شده است. وی گفت که مصر به طور کامل از موضع امارات در خصوص جزایر سه گانه حمایت می‌کند (<http://arabic.people.com>). همچنین، مصر در نشست کمیسیون چهارگانه امارات، عربستان، بحرین و مصر در دبیر خانه اتحادیه عرب (۲۶ مهر ۱۳۹۵) که موضوع آن جلوگیری از دخالت ایران در امور داخلی کشورهای عربی منطقه بوده از موضع امارات علیه ایران دفاع نمود. در این جلسه، در مورد راههای جلوگیری و مقابله با آن چه دخالت‌های ایران در کشورهای عربی نامیده شده و گرفتن تأییدیه بین‌المللی برای این موضع؛ بحث و گفت‌وگو شد. این اجلاس، به دستور شورای اتحادیه عرب تشکیل شده بود. این اجلاس در خصوص دخالت‌های ایران در منطقه، بیانیه‌ای صادر و از ایران خواسته شد که از اقدامات علیه کشورهای عربی دست برداشته و حمایت خود را از گروه‌های تروریستی متوقف نماید. وزیران امور خارجه چهار کشور امارات، عربستان، بحرین و مصر، بار دیگر از ادعای ارضی امارات بر جزایر سه گانه حمایت کردند (<http://www.youm7.com>).

نقش بازیگران منطقه ای بر تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران و مصر (۱۴۰۰-۱۳۵۷) /

ساسانی- رضایی- ترابی

علیرغم اینکه مصر در دامن زدن به جنجال بر سر جزایر سه گانه در سال ۱۹۹۲، نقش بنیادی و عمده ای ایفا کرد؛ اما در ۱۹۷۱ موضع مصر سکوت بود و در شورای امنیت سازمان ملل متحد و اتحادیه عرب با رفتاری منطقی جلو کشورهای تندرو عرب را گرفت و سعی در آرام کردن آنها و متقاعد کردن اینکه ارزش روابط با ایران بالاتراز اینهاست، داشت. اما بعد از انقلاب ایران موضع خود را با بزرگ کردن مسئله جزایر ایرانی و تهدید ایران تغییر داد. (بخشایش اردستانی، ۱۳۸۷: ۱۶۷) مصر نیز طی یک بیانیه مشترک با امارات متحده عربی اعلام کرد که ایران باید به اشغال جزایر پایان دهد و میانجیگری اعراب را بپذیرد. در غیر این صورت پیشنهاد می شود که اعراب روابط دیپلماتیک خود با ایران را قطع کنند؛ مسئله در سازمان ملل به طور جدی پیگیری شود؛ ایران به طور کامل محاصره اقتصادی شود و از غرب تقاضا میشود در برابر این اقدام ایران از لحاظ نظامی و اقتصادی موضعگیری کنند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۱: ۱۰۱-۹۹).

در نتیجه، با توجه به اینکه مصر عضو اتحادیه های عربی می باشد منافع خود را در تعامل با کشورهای عربی و از جمله عربستان و امارات می بیند. از اینرو، در همراه نشان دادن خود با این دو کشور و جلب کمک های سیاسی و اقتصادی به طور اختصاصی از عربستان و امارات و به طور عموم همه کشورهای عربی با سیاست های ایران مخالفت می نماید. در بعد منطقه ای، تاثیر گذاری دو کشور امارات و عربستان بر مصر را می توان مهمترین مانع در شکل گیری روابط و همکاری میان ایران و مصر دانست به گونه ای که "سرکیس نعوم" روزنامه نگار مشهور لبنانی که در ۲۶ بهمن ۱۳۹۴ به ایران سفر کرده بود پس از بازگشت به کشورش، سلسله گزارش هایی را در قالب سفرنامه خود به ایران در روزنامه "النهار" لبنان منتشر کرده و از رویکرد مثبت ایران برای تعامل با مصر سخن به میان آورده است. وی در نهایت در این گزارش اشاره می نماید که عربستان با امارات به کمک های مالی به مصر نمی گذارند روابط میان ایران و مصر بهبود یابد و دو کشور در زمینه های مختلف با یکدیگر همکاری نمایند (<http://www.entekhab.ir>).

۴- رژیم صهیونیستی

از مهمترین شاخص های مناسبات ایران و مصر، همواره کشمکش و منازعه اعراب-اسرائیل و مسئله فلسطین بوده و تاثیرهای فراوانی بر آن داشته است (قلوبی، ۱۳۸۷: ۴۰). منازعه رژیم صهیونیستی و فلسطین، در روابط ایران و مصر یک عامل بسیار تاثیر گذار می باشد به گونه ای که این مساله، تاکنون دو بار موجب قطع روابط ایران و مصر شده اند. یک بار در سال ۱۹۶۰

و بار دیگر در سال ۱۹۷۹. بار اول، وقتی رژیم پهلوی با رژیم صهیونیستی رابطه سیاسی برقرار کرد و اعلام کرد که اسرائیل را به صورت "دوفاکتو" به رسمیت شناخته، مصر روابط خود را با ایران تیره و قطع کرد، زیرا مردم مصر و ایراف دفاع از سرزمین و مردم فلسطین را وظیفه تخلف ناپذیر خود می دانستند(مظاهری و احمد زاده، ۱۳۸۸: ۱۶۹). اما، بار دوم با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹م(۱۳۵۷ ش) بود که ایران در حمایت از آرمان فلسطین در رابطه با مصر تجدید نظر کرد و به علت سازش و قرار صلح مصر با اسرائیل در اواخر سال ۱۳۵۷، روابط سیاسی خود را با مصر قطع کرد. از آن زمان تاکنون، اسرائیل همواره تلاش کرده است تا مانع بهبودی روابط ایران و مصر شود(جعفری ولدانی، ۱۳۸۷: ۸۹).

مصری ها پس از انعقاد پیمان کمپ دیوید با اسرائیل، روابط کج دار و مریضی را با این رژیم برقرار کردند. به گونه ای که در این سالها، هم روابط صلح آمیزی با اسرائیل داشته وهم در جبهه اعراب نقش داشته و تاثیر گذار بودند. با توجه به این که تجدید روابط با ایران بر روابط مصر با این رژیم که روابط خصمانه ای با جمهوری اسلامی ایران دارد، تاثیر گذار خواهد بود، لذا مصری ها ملاحظات متعددی را در این زمینه لحاظ می کنند. از اینرو، دستگاه سیاست خارجی مصر مانند هر کشوری دیدگاه های متفاوتی نسبت به موضوعات مختلف سیاست خارجی دارد و این اختلافات در مورد رابطه با ایران نیز صدق می کند(مظاهری و احمد زاده، ۱۳۸۸: ۱۷۵). برخلاف ایران که از حقوق فلسطینی ها حمایت می کند، مصر به دلیل ارتباط سیاسی با تلاویو، با هر گونه مقابله نظامی با اشغالگران از سوی مردم و گروه های فلسطینی مخالفت کرده است، لذا تفاوت رویکرد ایران و مصر در این زمینه، تاکنون محل مناقشه طرفین بوده است(یوسف نژاد، ۱۳۸۴: ۱۱۹). از مهمترین دلایل تیره شدن مناسبات ایران و مصر، به رسمیت شناختن و سازش مصر با رژیم صهیونیستی با انعقاد موافقت نامه کمپ دیوید و نوع انبساط آن کشور با این رژیم می باشد(سنایی، ۱۳۹۲: ۲۱).

از سویی دیگر، رابطه میان مصر و اسرائیل با یکدیگر نیز از همکاری تا جنگ فراز و فرود داشته است. اما، نکته مهم آن است که مصر هیچگاه آنگونه که ایران به اسرائیل می نگرد و خواهان حذف آن است به این رژیم نمی نگرد و حتی برخی از گروههای اسلامی داخل مصر هم، چنین اعتقادی ندارند. بنابراین، موضع اختلاف مصر و ایران در قضیه اسرائیل به این نکته بر می گردد. صرف نظر از نوع رویکرد ایران نسبت به این قضیه، خود مصر و اسرائیل برای روابطشان اهمیت قایلند. در واقع، هم مصر برای اسرائیل ارزش دارد به علت آنکه اسرائیل می داند مصر در میان کشورهای جهان عرب از اهمیت بالایی برخوردار است و بهبود روابط میان مصر با

نقش بازیگران منطقه ای بر تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران و مصر (۱۴۰۰-۱۳۵۷) /

ساسانی- رضایی - ترابی

اسرائیل در بهبود روابط اسرائیل با کشورهای عربی موثر است. اسرائیل هم برای مصر به علت اینکه مرزهای مشترکی دارد و امنیت مصر نیز به امنیت مرزهای مشترکش بستگی دارد به دنبال چالش با اسرائیل نیست. این عامل در کنار عوامل اقتصادی و نظامی هم قرار دارد. اما بعد از پیروزی انقلاب های عربی، اسرائیل با نگرانی حوادث درونی کشورهای عربی را دنبال می کرد و از پیامد های آن بر اسرائیل، نگران بوده است. در میان کشورهای درگیر در بحران، مساله مصر برای اسرائیل با دیگر کشورها تفاوت فاحشی داشته است. در نخستین روزهای سرنگونی حسنی مبارک، با عبور ناو گروه ارتش جمهوری اسلامی ایران از کانال سوئز با "پیام صلح و دوستی انقلاب اسلامی" در روابط کشورهای منطقه، نگرانی رژیم صهیونیستی دوچندان شد. از اینرو، محافل و رسانه های غربی و عربی پس از گذشت هفته ها از بهبود روابط ایران و مصر پس از سرنگونی حسنی مبارک، از این موضوع به عنوان "شوک بزرگ" یاد می کنند. روزنامه آمریکایی "وال استریت ژورنال" در تحلیلی عنوان می کند: "ذوب شدن یخ روابط ایران و مصر باعث نگرانی آمریکا، اسرائیل و عربستان شده است. این دولتها نگرانند که دوستی ایران و مصر، موازنه شکننده قدرت در خاورمیانه را به هم بزند (<http://www.bultannews.com>).

پایگاه اینترنتی شورای روابط خارجی آمریکا هم ضمن اذعان به از هم پاشیدگی ائتلاف ضدایرانی آمریکا پس از وقوع تحولات منطقه بعد از انقلابهای عربی نوشت: "تلاش آمریکا برای تشکیل یک ائتلاف از رژیم های عربی علیه ایران به طور کامل با شکست روبرو شده، زیرا مردم کشورهای عربی با رهبران کشورهای خود موافق نیستند". این پایگاه می افزاید: "صدور مجوز توسط دولت انتقالی مصر به کشتی های ایران برای عبور از کانال سوئز حاکی از آن است که روابط جدید ایران با دولت جدید مصر می تواند با روابط ایران با دولت پیشین حسنی مبارک متفاوت باشد و آنچه که ما در تونس، لیبی، مصر و یمن شاهد آن هستیم نیز در واقع تلاش برای عادی سازی روابط با ایران است" (<http://www.bultannews.com>).

روزنامه فرانسوی "فیگارو" با انتشار این خبر تصریح کرد: "بهار انقلاب در کشورهای عربی اسرائیل را نگران ساخته است. این تحولات، قاعده بازی را به نفع ایران تغییر می دهد. از نگاه سران اسرائیل، تمایلات دموکراسی خواهانه و بی ثباتی رژیم های حاکم عرب در منطقه می تواند به نفع ایران بعنوان دشمن اصلی اسرائیل و نیز اسلامگرایان بخصوص در مصر تمام شود. مقامات اسرائیلی معتقدند که ایران راهبرد کمک به متحدان خود شامل حزب الله لبنان و گروه

فلسطینی حماس در باریکه غزه را تقویت کرده است" (<http://www.bultanneews.com>). در تقابل ایران و مصر در موضوع منازعات نوار غزه و گروه های فلسطینی مبارز، مصر (چه در زمان مبارک و چه بعد از آن در زمان محمد مرسی) در موضع گیری های خود در مقابل رژیم اشغالگر اسرائیل، به شدت بر اساس توصیه های دولت آمریکا رفتار می کرد؛ زیرا آمریکا متحد اصلی غربی ترکیه و مصر به شمار می آمد. بعد از سقوط مرسی، خیال اسرائیل از مصر تا حدودی راحت شد. مخصوصاً اینکه، السیسی هم روی خوشی به اسرائیل درباره صلح دوکشور نشان داد. عبدالفتاح السیسی هم در زمان انتخابات ریاست جمهوری درباره روابط میان قاهره-تل آویو، با اشاره به اینکه حضور نظامیان مصری در صحرای سینا برای تامین امنیت مصر و مقابله با تروریست ها است، تصریح کرده بود که صلح میان اسرائیل و مصر پایدار خواهد ماند (<http://www.khabaronline.ir>).

بنابراین، با توجه به روابط نزدیک میان مصر با اسرائیل و تاثیر پذیری مصر از سیاست های آمریکا در حفظ امنیت اسرائیل، بعید به نظر می رسد که اولاً مصر تمایلی به از سرگیری روابط داشته باشد زیرا، یا باید مانند ایران اسرائیل را نا مشروع در منطقه بداند و یا در غیر این صورت به دنبال حفظ منافع خودش باشد که بر اساس موضع گیری های مسوولان مصری، روابط با اسرائیل و آمریکا، بهتر از روابط با ایران می تواند منافعی را تامین نماید.

د- نقش شورای همکاری خلیج فارس در تیرگی روابط ایران و مصر
"شورای همکاری خلیج فارس" در سالهای پس از انقلاب اسلامی با شکل دهی نوعی جامعه امن، بیشتر علیه ایران در چارچوب مفهوم "دژ منطقه ای" عمل کرده است. این سنخ عملکرد، به صورت توأمان وجوه سخت افزاری و نرم افزاری را در بر گرفته است (صادقی اول و نقدی، ۱۳۹۳: ۱۶۷). شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان و دیگر اعضای مهم آن همچون امارات متحده از جمله کشورهای منطقه ای هستند که در راستای منافع خود و ملاحظات امنیتی متاثر از رویکردشان به ایران، نقش مهمی در تیرگی و عدم حرکت دو کشور ایران و مصر به سمت تنش زدائی ایفا کردند و در بزنگاه های مختلفی که هر یک از کشورهای ایران و مصر به سمت همکاری های نزدیک حرکت کردند تلاش کردند با ایجاد موانعی در این مسیر سنگ اندازی کنند به عنوان نمونه، در سال ۱۳۹۰ و پس از تحولات داخلی مصر، با اعلام دولت موقت مصر در پیگیری روند گسترش روابط با ایران و بازگشایی سفارت خود در تهران و استقبال مقامات ایرانی از این موضع گیری، موجب نگرانی شدید اعضای شورای همکاری

نقش بازیگران منطقه ای بر تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران و مصر (۱۴۰۰-۱۳۵۷)

ساسانی- رضایی- ترابی

خلیج فارس در این زمینه گردید به گونه ای که با اعمال فشار بر دولت مصر خواهان توضیح در این زمینه شدند.

سیاست خارجی و منطقه ای مصر در یک دهه اخیر بویژه بعد از سال ۹۱ میلادی تاکنون ذیل روابط قاهره با شورای همکاری خلیج فارس و خصوصا عربستان تعریف می شود. به عبارت دیگر، اگر عربستان و شورای همکاری خلیج فارس با کشوری یا کشورهایی مشکل یا اختلاف داشته باشند، به تبع آنها، مصر هم در همین راستا گام بر می دارد به گونه ای که روابط مصر با قطر و ترکیه نیز در سالهای اخیر تحت الشعاع اختلافات جدی ترکیه و قطر با عربستان سعودی قرار گرفته است. به گونه ای که سیسی رییس جمهور مصر و دیگر زمامداران نمی توانند خارج از چارچوب اعلامی ریاض گامی بردارند. علاوه بر این، با در نظر گرفتن حدود ۴ تا ۶ میلیون مصری در کشورهای حاشیه خلیج فارس که مشغول به کار هستند، منبع مالی قوی برای اقتصاد و اشتغال مصر به شمار می آید که مصر نمی تواند آن را نادیده بگیرد (صدقیانی، ۱۳۹۷: ۱). در نتیجه، سیاست خارجی مصر تا کنون شدیداً تحت تاثیر فرایندهای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران بوده است.

نتیجه گیری

در موانع شکل گیری رابطه میان ایران و مصر از بعد از انقلاب تا کنون، بازیگرانی در سه حوزه داخلی، منطقه ای و بین المللی تاثیر گذار بوده اند. هر یک از این بازیگران، به تناسب جایگاه و نقششان توانسته اند بر تصمیم های سیاسی مصر در رابطه با ایران اثرگذار بوده و مانع از بهبودی و یا شکل گیری رابطه سیاسی و دیپلماتیک از سطح کنونی به سطح بالاتر شوند. یکی از مهمترین بازیگران، بازیگرانی هستند که در بعد منطقه ای فعال بوده و تاثیر گذار می باشند. بازیگران منطقه ای تاثیر گذار، هم شامل کشورهایی مانند عربستان، امارات، ترکیه و رژیم صهیونیستی و هم اتحادیه های منطقه ای مانند شورای همکاری خلیج فارس را در بر می گیرد که توانسته اند بر مصر تاثیر گذار بوده و مانع از شکل گیری رابطه میان دو کشور ایران و مصر شوند.

در بعد منطقه ای، عامل اصلی در ایجاد مانع از سوی این بازیگران، ترس از نفوذ سیاسی و مذهبی (ایران هراسی و شیعه هراسی) و افزایش قدرت منطقه ای و جهانی ایران از سوی برخی از کشورهای منطقه می باشد. این بازیگران، همواره سعی کرده اند تا با تاثیر گذاری بر کشورهای عرب منطقه و از جمله مصر که به عنوان یک کشور راهبردی در میان کشورهای

عربی منطقه مطرح بوده و از "بافت سنی مذهب" هم برخوردار می باشد از جایگاه مذهبی (اهل سنت) و ضعف اقتصادی مصر استفاده نمایند و ایران را به عنوان یک کشور شیعی که در صدد نفوذ سیاسی و مذهبی است؛ خطری امنیتی برای آنها جلوه دهند. در واکنش برخی از مسوولان مصری نسبت به سیاست های منطقه ای ایران، این مساله کاملاً آشکار است. در مجموع، اگر بخواهیم دلایل بازیگران منطقه ای اعم از کشورهای تاثیر گذار مانند عربستان و ترکیه و یا سازمانهای منطقه ای عربی - اسلامی مانند شورای همکاری خلیج فارس در دامن زدن به تیرگی رابطه میان ایران و مصر، از بعد از انقلاب اسلامی ایران را تاکنون فهرست وار بیان نماییم عبارتند از:

- ۱- ترس از ترویج و تبلیغ آموزه های انقلاب اسلامی در مقابله با استکبار ستیزی
- ۲- ترس کشورهای عربی اسلامی از قدرتهای بین المللی مانند آمریکا و دیگر کشورها و به هم ریختن روابطشان و هم چنین وابستگی های شان در ابعاد مختلف مانند نظامی و اقتصادی
- ۳- ترس از نفوذ معنوی و اندیشه های شیعی در میان مردم و نخبگان و واکنش نسبت به حاکمانشان و زیر سوال بردن ساختارهای سیاسی کشورشان
- ۴- ترس از افزایش قدرت منطقه ای و بین المللی ایران و بر هم ریختن توازن به نفع جمهوری اسلامی ایران
- ۵- جلوگیری از وحدت و اتحاد افکار عمومی جهان اسلام ضد سیاست های مماشات و تسامح و تساهل در برابر رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن مشترک امت اسلام و ملتها و کشورهای منطقه

۶- ترس از تغییر ژئوپلیتیک منطقه با تشکیل هلال شیعی

- ۷- شکل گیری بلوک جدید منطقه ای با محوریت مقاومت (گروههای مقاومت) و مدیریت جمهوری اسلامی ایران

با توجه به دلایل بالا، بازیگران منطقه ای از نفوذ ایران در کشورهای عربی نگران و از گسترش مذهب شیعه و نفوذ آنها در قدرت سیاسی واهمه داشته و اعتماد لازم را نسبت به ایران ندارند. با توجه به نفوذ ایران در عراق، لبنان و فلسطین، به ایران با دیده تردید نگریسته و مخالف عادی سازی روابط و گسترش مناسبات ایران و مصر می باشند و در جهت تعمیق تیرگی بیشتر میان دو کشور تلاش می کنند.

نقش بازیگران منطقه ای بر تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران و مصر (۱۴۰۰-۱۳۵۷) /

ساسانی- رضایی- ترابی

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۷۹) نظام بین المللی معاصر و فراز و نشیب های روابط ایران و مصر، مطالعات آفریقا، سال ۵، شماره ۲
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۶)، سازنده انگاری، چهارچوب تئوریک برای فهم سیاست خارجی ایران، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، سال اول، شماره ۱
- انصاری، مرتضی (۱۳۷۵)، امنیت خلیج فارس و بحران سازی در منطقه، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۱۰۵ و ۱۰۶
- پندار، محمدحسین (۱۳۸۸)، روابط سیاسی ایران و مصر، فصلنامه تخصصی در حوزه تاریخ پژوهی ایران معاصر، دوره سوم، سال ششم، شماره ۲۰.
- پیرنیا، حسن (۱۳۶۲)، تاریخ باستان، جلد اول، تهران
- پیشگاهی فردو امیراحمدی، زهرا و صغرا (۱۳۸۹)، تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و مصر پس از جنگ جهانی دوم، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- ترابی، قاسم، (۱۳۹۱)، " رقابت های منطقه ای و جهانی در تحولات جهان عرب و امنیت جمهوری اسلامی ایران"، پژوهشنامه دفاع مقدس، سال اول، شماره ۲.
- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۸۱)، همکاری منطقه‌ای: چهارچوبی برای گسترش روابط ایران و مصر، فصلنامه مطالعات آفریقا، سال ۷، شماره ۶.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۳)، ایران و مصر، دیدگاه های متعارض، پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۶، شماره ۱۲.
- جکسون، رابرت و گئورگ سورنسون، (۱۳۸۱)، درآمدی بر روابط بین الملل، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی زاده، حسن سعیدی کلاهی، انتشارات میزان.
- حق پناه، جعفر (۱۳۹۰)، هویت، قومیت و سیاست خارجی در خاورمیانه، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق علوم سیاسی، شماره ۱.
- دانش نیا، قرداد، (۱۳۹۴)، "سازه انگاری الکساندر ونت: امتناع از گذار از بن بست های تئوریک روابط بین الملل و دست یابی به راهی میانه"، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره دوم.

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۲۰، شماره ۶۷، تابستان ۱۴۰۳

- درویشی سه تلانی، فرهاد، مظفری، سمیرا (۱۳۹۷) بررسی عوامل تاثیرگذار بر واگرایی روابط ایران و مصر (۱۳۹۲-۱۳۵۷)، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۲۵، بهار
- دفتر مطالعات سیاسی (۱۳۸۳)، روابط دوجانبه ایران و مصر، تهران، مرکز پژوهش های مجلس .
- سنایی، اردشیر، (۱۳۹۱)، مصر در فراز و نشیبهای پس از مبارک»، مقاله ای در ارتباط با تحولات مصر سالنامه جهان. روزنامه اعتماد، شماره ۲۶۴۰
- شفیع، نوذر (۱۳۹۰)، "مفهوم سیاست خارجی از دیدگاه نظریه ها (واقعگرایی، لیبرالیسم و سازه انگاری)"، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۸۵.
- صادقی اول، هادی و نقدی، جعفر (۱۳۹۳) روابط ایران و دژ منطقه ای شورای همکاری خلیج فارس، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره ۴، زمستان
- صبوچی، مهدی و حاجی مینه، رحمت، (۱۳۹۲)، بررسی مقایسه ای نحوه رویکرد ایران و ترکیه در قبال تحولات عربی، مطالعه موردی تونس و مصر و لیبی فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره چهارم.
- صدقیانی، محمدصادق (۱۳۹۷) روابط تهران-قاهره راعربستان تعریف می کند، سایت دیپلماسی ایرانی
- علیزاده، حسین (۱۳۸۴)، بررسی تحلیلی و توصیفی تاریخ روابط ایران و مصر (دوقدرت منطقه ای خاورمیانه، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه
- قاسمی، حاکم، (۱۳۸۸)، تأثیر نظام بین المللی بر واگرایی ملتها در حوزه ایران
- فرهنگی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۱۰، شماره ۳۹
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، روابط بین الملل نظریه ها و رویکردها، تهران، انتشارات سازمان سمت.
- قوام، عبدالعلی، (۱۳۸۴)، سازه انگاری: سنتز پوزیتویسم و پستپوزیتویسم یا پلیمیان نئورئالیزم و نئولیبرالیزم دانشنامه حقوق و علوم سیاسی، سال اول، شماره ۲.
- - کوشکی، محمد صادق و کیانی احسان، (۱۳۹۴)، رقابت های امنیتی ایران و ترکیه در جریان بیداری اسلامی فصلنامه پژوهش های معاصر انقلاب اسلامی، دور ۱، شماره ۱.
- گرهام، یوانز (۱۳۸۱)، فرهنگ روابط بین الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طرازکوهی، تهران، انتشارات میزان.

نقش بازیگران منطقه ای بر تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران و مصر (۱۴۰۰-۱۳۵۷) /

ساسانی- رضایی- ترابی

- گلجان، مهدی (۱۳۸۴)، بررسی روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی ایران و مصر از سال (۱۳۵۷-۱۳۳۱ ه.ش)، تهران، انتشارات امیرکبیر
- گلرو، عباس (۱۳۸۵)، بررسی مقایسه ای اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران و مصر بر مبنای نوع رابطه این دو کشور با آمریکا، مطالعات آفریقا، سال یازدهم، شماره.
- موسوی، سیدمحمد و دیگران (۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی ایران و تحولات ژئوپلیتیکی مصر، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴، پائیز
- ولی پور زرومی، سیدحسین (۱۳۸۳)، گفتمان امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- هاشمی سید حمید (۱۳۸۶) از سرگیری روابط ایران و مصر؛ آسیب ها و فرصت های پیش روی مجله نگاه حوزه ۱۸ اسفند، شماره ۲۲۷
- هوبیدی، فهمی (۱۳۸۶) "العلاقات العربیة - الایرانیة :الاتجاهات الراهنة و آفاق المستقبل" - مرکز دراسات اللّحدة العربیة - لبنان
- یعقوبی فر، حامد، (۱۳۹۲)، "گونه شناسی سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه"، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هفتم، شماره ۴.
- یوسف نژاد، ابراهیم، (۱۳۸۴)، روابط دوجانبه ایران و مصر؛ فرصتها، چالشها و چشم انداز آینده»، دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، سال ۱۲، ش ۵۰.
- پیامی از سوی مصر به ایران؛ میان تهران و قاهره چه خبر است؟، بازیابی در :
<https://www.khabaronline.ir/news/>
- مصر با ایران هراسی عربستان همراه نیست، بازیابی در :
<https://www.irna.ir/news/82341148>
- بحران در ائتلاف عربستان، ترکیه و مصر علیه ایران، بازیابی در :
<http://www.qarar57.ir/fa/pages/56781>
- برقراری روابط ایران و مصر؛ تضعیف عربستان، سعید ساسانیان، بازیابی در :
<http://irdc.ir/fa/content/13316/default.aspx>
- پادشاه سعودی در مصر؛ انتظارات و خواسته های طرفین از یکدیگر، بازیابی در
<http://www.nafezonline.ir/%d9%be%d8%a7%>

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۲۰، شماره ۶۷، تابستان ۱۴۰۳

- علت تیرگی روابط عربستان و مصر ، بازیابی در:

<http://roobahnews.com/index.php/>

-اظهار نظر السیسی درباره رابطه مصر و ایران، بازیابی در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1932758>

-امارات نزدیکی روابط ایران و مصر را نمی‌خواهد، بازیابی در :

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1931823>

-انتقاد تند امارات از ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بازیابی در :

<http://www.bbc.com/persian/iran>

-مصر تساند موقف الامارات فی المطالبة باستعادة الجزر الثلاث من ایران، بازیابی شده در:

<http://arabic.people.com.cn/31662/6629214.html>

-الإمارات ومصر والسعودية و ۸ دول أخرى ترد فی رسالة مشتركة علی ادعاءات ایران، بازیابی

شده در :

<http://www.youm7.com/story/2016/11/12/%D8>

- سرکیس نعوم: ایران خواستار نزدیکی به مصر است، عربستان و امارات نمی‌گذارند، بازیابی

شده در

<http://www.entekhab.ir/fa/news/252657/%DA%AF>

-اسرائیل اصلی ترین نگران روابط ایران و مصر، بازیابی در:

<http://www.bultannews.com/fa/news/48153/>

-ایران، ترکیه و مصر؛ واگرایی یا همگرایی؟، بازیابی در :

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1918445/>

۳۸- السیسی: صلح میان اسرائیل و مصر پایدار خواهد ماند/ رابطه با ایران مشروط به روابط

با کشورهای خلیج فارس، بازیابی در

<http://www.khabaronline.ir/detail/354897/World/middle>

Prerenting (2005); Conflict, Moving Towards Cooperation in the Nile Basin",

WWW. -Gefweb. Org

Ramazani,R"Revolutionry Iran: challeng an Respons in middleeast.THE

Johans Hopkings, unipres,1986